

Analysis of the Applications and Functions of Intellect From the Perspective of the Holy Quran

Ramezan Alitabar¹

Abstract

In the Holy Quran, directly and indirectly, "intellect" is considered one of the sources and tools of knowledge and accordingly, human beings are invited to understanding (ta' aqool). In some verses of the Holy Quran, the word intellect and its derivatives have been used directly and with a conforming indication, and in the other category, indirectly and with indication per nexum, in the form of words such as: heart (qalb), lubb, fuād and the like, and functions such as thinking, to study (tafaqqoh), intelligence, insight and realizing are referred to as the functions of intellect. These words in the Holy Qur'an are synonymous or related to the knowledge functions of the intellect. According to the verses of the Holy Quran, the intellect has different functions (related to knowledge or other than that). These functions are more apparent in humanities. Here, some functions of the intellect are classified and analyzed by the library method (in collecting information) and by the rational and narrative method and by emphasizing on some verses of the Holy Quran (in analyzing information). Based on the results, some functions of intellect such as theoretical and practical, natural and supernatural, source and instrumental, critical and methodological functions of intellect have been analyzed from the perspective of the Qur'an.

Keywords: Intellect, Quran, epistemological function, practical function.

1- Associate Professor of the Islamic Philosophy and Theology, Research Institute for Islamic Culture and Thought (iict), Qom Seminary, r.alitabar@chmail.ir

بررسی کاربردها و کارکردهای عقل از منظر قرآن کریم

رمضان علی تبار^۱

چکیده

در قرآن کریم به صورت مستقیم و غیرمستقیم به «عقل» به عنوان یکی از منابع و ابزارهای معرفتی پرداخته و بر اساس آن، بشر به تعقل و عقلانیت دعوت شده است. در برخی آیات قرآن کریم به صورت مستقیم و با دلالت مطابقی از واژه عقل و مشتقات آن استفاده شده و در دسته دیگر به صورت غیر مستقیم و با دلالت التزامی، در قالب واژه‌هایی نظیر: قلب، لب، فؤاد و امثال آن و با کارکردهایی نظیر تفکر، تفقه، شعور، بصیرت و درایت به عنوان کارکردهای عقل اشاره شده است. این واژگان در قرآن کریم، مترادف یا مرتبط با کارکردهای معرفتی عقل هستند. بر اساس آیات قرآن کریم، عقل دارای کارکردهای مختلف (اعم از معرفتی و غیرمعرفتی) است. این کارکردها در مسائل علوم انسانی نمایان تر است. در مقاله حاضر در مقام جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و در مقام دآوری (تجزیه و تحلیل اطلاعات) با روش عقلی و نقلی و با تأکید بر آیات قرآن کریم برخی کارکردهای عقل طبقه‌بندی و تحلیل شده است. بر اساس نتایج این نوشتار، کارکردهای نظری و عملی، طبیعی و فراطبیعی، منبعی و ابزاری، انتقادی و روش‌شناختی به عنوان برخی کارکردهای عقل از منظر قرآن مورد تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: عقل، قرآن، کارکرد معرفتی، کارکرد عملی.

۱- مقدمه

فرایند طبیعی شکل‌گیری شناخت انسان پس از تولد از طریق مجاری‌ای است که خداوند در انسان قرار داده است. با توجه به اصل مبدئیت و فاعلیت حقیقی خداوند برای معرفت، فرایند تکون علم به لحاظ وجودی، «طولی - عمودی» خواهد بود و همه معارف و منابع معرفتی آن از او سرچشمه خواهد گرفت. خداوند مجاری، منابع و ابزارهای معرفتی را به ما می‌شناساند: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ...» (فصلت/ ۵۳). بر اساس این آیه، افاضه علم و معرفت به لحاظ هستی‌شناختی، از بیرون وجود انسان (توسط خداوند) صورت می‌گیرد؛ اما به لحاظ معرفت‌شناختی (ارتباط‌گیری فاعل شناسا با مبدأ حقیقی)، علم و معرفت از مجاری و کانال‌های خاصی نظیر وحی، عقل، فطرت و قلب محقق می‌شود و به همین دلیل از آن‌ها به «راه‌ها»، «مجاری» و «وسائط» نیز تعبیر می‌شود. یکی از این منابع معرفتی، «عقل» است که قرآن کریم به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم بشر را به تعقل و عقلانیت دعوت نموده است. در صورت نخست (مستقیم) با دلالت مطابقی از مشتقات آن استفاده شده و به صورت غیر مستقیم (دلالت التزامی) نیز از واژه‌هایی نظیر قلب، لب، فؤاد و امثال آن و با کارکردهایی مانند تفکر، تفقه، شعور، بصیرت، درایت و امثال آن بهره گرفته است.

«عقل» از «عقال» در لغت به معنای «منع»، «پابند» و «دژ» آمده است و به همین دلیل نیرویی که کنترل‌کننده نفس بوده و انسان را از کارهای ناهنجار باز می‌دارد، عقل می‌نامند (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۵، ۱۷۷۵؛ طریحی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۲۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۸، ۱۹۵). اصطلاح عقل در علوم مختلف، متفاوت است. عقل در اصطلاح علوم عقلی، عمدتاً به دو معنا آمده است: یکی به معنای موجودی است که ذاتاً و فعلاً مجرد باشد (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ج ۷، ۲۶۳) و در معنا دیگر، یکی از قوا و مراتب نفس انسانی است (علامه حلی، ۱۳۷۲: ۲۳۵؛ ملاصدرا، ۱۴۲۰: ۳۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۵: ۲۴۸).

مسئله کارکردها و کاربردهای عقل در علوم مختلف و همچنین در برخی آثار و منابع مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما درباره عقل در قرآن، آثار و مقالاتی وجود دارد که بیشتر، ناظر به حقیقت و معانی عقل است؛ محمدعلی مبینی (۱۳۸۰)، در مقاله «عقل در قرآن»، به معانی عقل و مترادف‌های آن پرداخته است. استاد علی‌اکبر رشاد (۱۳۸۵) در مقاله «گستره کارکرد و کاربرد عقل در تفهیم و تحقق دین»، کارکردها و کاربردهای عقل را در حوزه فهم دین بررسی نموده است. آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۶) در کتاب «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» و استاد ابوالقاسم علیدوست (۱۳۸۳) در کتاب «فقه و عقل» به برخی کارکردهای عقل پرداخته‌اند. با این حال، نوشتاری که به انواع کارکردهای عقل و اطلاقات آن در قرآن کریم پرداخته باشد، یافت نشد؛ لذا از نوآوری‌های مقاله، جامعیت نسبی آن در مسئله یادشده است.

۲- انواع کارکردهای عقل

بر اساس آیات قرآن کریم، عقل دارای کارکردهای مختلف (اعم از معرفتی و غیرمعرفتی) است. این کارکردها با توجه به جامعیت قرآن کریم، به یک علم اختصاص نداشته، درباره تمامی معارف و علوم جاری است. قرآن کریم یک کتاب علمی اعم از علوم انسانی، علوم طبیعی و مهندسی نیست؛ در عین حال دارای مسائل و آموزه‌های علمی در زمینه‌های مختلف است که با توجه به مختصات و رسالت قرآن کریم، بیشتر آیات آن ناظر به مسائل انسانی (اعم از فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی، بیرونی، درونی و امثال آن) است؛ لذا کارکردهای عقل در قرآن کریم بیشتر از سنخ مسائل علوم انسانی است؛ زیرا در علوم انسانی، با «انسان» و کنش‌های انسانی سر کار داریم. کنش‌های انسانی دارای ویژگی‌هایی نظیر آگاهانه‌بودن، ارادی‌بودن، هدفمندی و معناداری است. در مقابل، فعل و انفعالاتی که با اراده و آگاهی همراه نیستند، مثل ضربان قلب، تنفس، رشد جسمانی و فعالیت‌های دستگاه گوارش از سنخ موضوع علوم انسانی نیستند. بنابراین مراد از علوم انسانی علمی است که درباره کنش‌های انسان (اعم از فردی و اجتماعی) و مبادی، آثار و پیامدهای آن بحث می‌کند.

قرآن کریم کارکردهای معرفتی عقل را با ادبیات و مفاهیمی نظیر «تفکر»، «تدبّر» و «تفقه» نیز بیان می‌کند؛ مثلاً در آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (جائیه/ ۱۳) به کارکرد تفکر اشاره دارد؛ همان گونه که در آیات دیگر به همراه دعوت به تعقل و تفکر، منابع معرفتی آن را نیز معرفی می‌کند: «سُنِّبَهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت/ ۵۳؛ طباطبایی، بی‌تا: ج ۳، ۸۸؛ مطهری، ۱۳۵۷: ۹۱-۹۲). قرآن کریم از این مفاهیم به صورت مطابقی، تضمینی و التزامی برای تبیین کارکردهای عقل بهره گرفته است؛ به عبارت دیگر مفاهیم یادشده هرچند به مثابه کارکردهای عام عقل نیز مطرح‌اند، در اینجا صرفاً به عنوان مفاهیم مرتبط و مشابه در نظر گرفته شده است؛ لذا در مطالعه و بررسی کارکردهای عقل، این مفاهیم نیز مد نظر خواهد بود. با توجه به ماهیت عقل و مفاهیم مرتبط آن در قرآن کریم، کارکردهای عقل را می‌توان به انواع مختلفی نظیر کارکردهای نظری و عملی، کارکردهای افقی و عرضی، کارکردهای منبعی و ابزاری و امثال آن طبقه‌بندی نمود.

۳- کارکردهای نظری و عملی عقل

عقل به عنوان منبع معرفت، دارای دو کارکرد نظری و عملی است (محقق اصفهانی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۱۹۵). عقل نظری خاصیت معرفت‌زایی و اکتشاف‌گری داشته، به مطالعه اکتشافی حقایق اشیا می‌پردازد، بدون اینکه به بایدها و نبایدها، هنجارها و ارزش‌ها و چگونگی‌ها بپردازد؛ اما کارکرد عملی عقل ناظر به حیطة اعمال ارادی انسان بوده، بیشتر خاصیت ارزش‌گذاری دارد (طباطبایی، بی‌تا: ج ۲، ۱۴۸ و ۱۸۰ و ج ۸، ۵۵). عقل از منظر قرآن، اعم از عقل نظری و عقل عملی است. با توجه به ماهیت علوم انسانی، هم

عقل نظری در آن کاربرد دارد و هم عقل عملی؛ مثلاً آیه «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر/ ۱۸) ناظر به هر دو کارکرد عقل (نظری و عملی) است. صاحبان خرد ابتدا به سخن طرف مقابل با دقت گوش می‌دهند و با تجزیه و تحلیل (عقل نظری)، به‌ترتیبش را بر می‌گزینند (انتخاب آگاهانه احسن = عقل عملی). هدایت الهی (هداهم الله) نیز از طریق دو کارکرد عقل، محقق خواهد شد (رک: طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۷، ۲۵۰).

عقل نظری به عنوان منبع و ابزار معرفتی در علوم انسانی، اعم از عقل تجربی، عقل نیمه‌تجربیدی، عقل تجربیدی محض و عقل ناب است. ۱. عقل تجربیدی محض معمولاً در فلسفه و کلام و براهین نظری کاربرد دارد. «عقل تجربی» در علوم طبیعی و بیشتر علوم انسانی ظهور می‌یابد و «عقل نیمه‌تجربیدی» عهده‌دار ریاضیات است و «عقل ناب» در عرفان نظری کاربرد دارد (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۷ و ۷۱). کارکردهای عقل به‌ویژه عقل نظری را می‌توان در سه دسته جای داد: معرفت‌زایی، معناگری و سنجش‌گری (رک: رشاد، ۱۳۸۵: ۳۸-۱۱)؛ همچنین عقل با به‌کارگیری اصول و قواعد عقلایی^۲ به فهم متن پرداخته و عهده‌دار اثبات، تثبیت، تفسیر، تخصیص، تقیید، تعمیم، مفهوم‌گیری و امثال آن می‌باشد.^۳ به عبارت دیگر عقل در کنار اثبات حجیت سایر منابع و مدارک معرفتی به‌ویژه کتاب و سنت، معنای متن را نیز تثبیت و بیان (تفسیر) می‌کند. مراد از تفسیر در اصطلاح، بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن است (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱، ۴).

برخی آیات قرآن بر کارکرد معرفت‌زایی عقل تأکید دارند: «كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره/ ۳۳)، «أَفَلَا لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء/ ۱۰)، «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک/ ۱۰) و «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبِكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال/ ۲۲؛ بقره/ ۱۶۴ و ۱۷۱-۱۷۰). در این آیات، عقل به عنوان منبع معرفت‌زا در کنار نقل مطرح است (الوسی، ۱۴۱۴: ج ۸، ۳۸؛ طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۵، ۲۲۴). آیاتی نظیر «...قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آفَقْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره/ ۱۷۰) که هم جنبه نظری دارد و هم ناظر به ارزش‌ها و بایدها و نبایدهاست، به هر دو ساحت عقل اشاره دارد. این آیه درباره کفار و مشرکان مدینه است که پیامبر آنان را به اسلام دعوت فرمود. آن‌ها گفتند: ما از پدران خود پیروی می‌کنیم (طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۱۱۱). آنان بدون تعقل و با تعصب جاهلی، آیین گذشتگان و پدران خود را منبع معرفتی و عملی معرفی می‌کردند.

از کارکردهای عملی عقل، تأثیر آن در سرنوشت انسان و کنش‌های است. عقل و تعقل، نجات‌بخش انسان است: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک/ ۱۰). طبق این آیه، ریشه

تکذیب قیامت و در نتیجه از دوزخیان بودن، عدم تعقل است. عقل، منشأ رعایت اخلاق و آداب انسانی و اجتماعی است: «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (حجرات / ۴). از دیگر کارکردهای و نتایج عملی عقل، خداگرایی، خداپرستی و بندگی خداوند است: «قَالَ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء / ۶۷-۶۶) یا «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده / ۵۸). بر اساس آیات قرآن کریم، عقل عملی، منشأ «عمل صالح» است؛ عملی که از یک سو محصول معرفت و ایمان است و از سوی دیگر در تقویت ایمان نقش دارد. ایمان و عمل صالح، منشأ حیات طیبه‌ای است که هدف نهایی علوم انسانی اسلامی است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل / ۹۷). توضیح اینکه اهداف علوم به‌ویژه علوم انسانی مدرن، منحصر در جهان مادی و زندگی دنیوی خلاصه می‌شود؛ اما بر اساس جهان‌بینی الهی و قرآنی، هدف نهایی علوم در حیات مادی منحصر نیست؛ بلکه اعم از حیات مادی و معنوی است و در نتیجه عقل عملی در راستای تحقق این هدف، در علوم انسانی نقش خواهد داشت و باید‌ها و نبایدهای آن، ناظر به هر دو مقام (مادی و معنوی) است. البته کارکرد عملی عقل، تابع عقل نظری است؛ زیرا عقل نظری جهان‌بینی الهی ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر به کمک عقل نظری، هدف‌داری و هدفمندی جهان تبیین می‌شود: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون / ۱۱۵) و عقل عملی بر اساس آن ارزش‌گذاری می‌کند؛ لذا کارکرد عملی عقل، قلمرو وسیعی (مادی / معنوی و دنیوی / اخروی) را شامل خواهد شد.

۴- کارکردهای طبیعی و فراطبیعی عقل

عقل هم کارکرد طبیعی (ظاهری و سطحی) دارد و هم کارکرد فراطبیعی (عمقی). مثلاً در آیات تعقل در طبیعت، خداوند در سطح ظاهر، عقل را به مطالعه طبیعت و کیفیت خلقت، ماهیت و امثال آن ارجاع می‌دهد، اما هدف، توجه‌دادن به انسان، کنش‌های انسانی و مبدأ و معاد است. به عبارت دیگر لایه نخست، از سنخ مسائل علوم طبیعی است و لایه درونی آن، ناظر به مسائل علوم انسانی است و اصل، توجه به لایه‌ها و سطوح درونی است که با تعقل، تفکر و تدبیر حاصل می‌شود. خداوند متعال در قرآن، مردم را به تعقل و اندیشیدن در چگونگی آفرینش آسمان‌ها و زمین، اختلاف شب و روز فرورستان باران از آسمان و نظایر آن دعوت می‌کند: «ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار... لآیات لقوم یعقلون» (بقره / ۱۶۴). این گونه آیات به حسب ظاهر (در لایه بیرونی) انسان را به تعقل و تفکر در طبیعت، دعوت می‌کند، اما در لایه دیگر و با توجه به آیات قبل («الْهَکَمَ اَللهِ وَاحِدٌ لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِیْمُ» (بقره /

۱۶۳)) در صدد اثبات مسائل الهیاتی است (ر.ک: طباطبایی، بی تا: ج ۱، ۴۰۵-۳۹۳).

۵- کارکردهای منبعی و ابزار عقل

از کارکردهای دوگانه عقل، کارکرد منبعی و ابزاری آن است. مراد از منبعیت عقل، کارکرد استقلالی و مراد از ابزاریت عقل، کارکرد غیر استقلالی آن می باشد. به عبارت دیگر زمانی که جنبه معرفت‌زایی استقلالی عقل را در نظر بگیریم، مراد عقل منبعی است. عقل در برخی موضوعات نظیر اصول عقاید، یکی از منابع برای اثبات آموزه‌های کلی و زیربنایی اعتقادی و کلامی است و استفاده از غیر آن، کارگشا نیست، بلکه در مواردی دور و باطل است؛ بنابراین پاره‌ای از کارکردهای عقل در حوزه تولید علم، انحصاری است (ر.ک: طباطبایی، بی تا: ج ۱۳، ۵۸). در فروع احکام نیز عقل به عنوان یکی از ادله چهارگانه استنباط در مذهب شیعه شناخته می‌شود؛ اما اگر عقل به عنوان مفسر کتاب و سنت، فهمنده امور فطری، تحلیل‌گر داده‌های طبیعی و تجربی، سنجش‌گر اطلاعات شهودی مد نظر باشد، با جنبه ابزاری عقل سر کار خواهیم داشت. با مراجعه به قرآن کریم، ساحت‌ها و کارکردهای منبعی و ابزاری عقل، قابل استنباط است. برخی آیات به معرفت‌زایی استقلالی عقل دلالت دارند: «أَف لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء/ ۱۰). این آیه تعقل را به صورت مطلق آورده و به منبع خاصی مستند نکرده است که با توجه به متعلق تعقل (خداشناسی و خداپرستی)، مراد بیشتر عقل منبعی و استقلالی است. در برخی دیگر از آیات، عقل در عرض سمع (نقل) آمده که دال بر کارکرد منبعی و معرفت‌زایی استقلالی آن است: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک/ ۱۰). نفی تقلید کورکورانه گویای اعتبار منبعیت عقل است. قرآن کریم یکی از عواملی را که مانع از تحقیق کفار و در نتیجه اعراض آنها از ایمان به خدا می‌شود، تقلید کورکورانه آنها از پیشینیان خود معرفی می‌کند: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَل نَتَّبِعُ مَا الْفِئَاءُ عَلَيْهِ آبَاءُنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ» (بقره/ ۱۷۰). تقلید کورکورانه از گذشتگان مخالف عقل بوده و سخن بدون علم است (ر.ک: طباطبایی، بی تا: ج ۱، ۴۱۹ و ج ۶، ۱۵۸-۱۵۹).

از جمله کارکردهای عقل، نقش ابزاری و غیر استقلالی آن است. عقل در این زمینه معناگر و معناسنج سایر منابع معرفتی است؛ به عبارت دیگر عقل ابزاری، معناگری، فهم و تفسیر دیگر منابع و مدارک معرفتی مثل وحی (کتاب و سنت) و طبیعت را بر عهده دارد؛ زیرا بدون کاربست عقل، فهم و درک سایر منابع ممکن نخواهد بود. اگر انسان دارای ابزار عقل نبود، سایر مدارک و منابع معرفتی کارایی نداشت؛ لذا انسان با کاربست عقل می‌تواند به فهم کتاب، سنت و طبیعت نائل شود. بر اساس برخی آیات، کارکرد معرفتی و کاشفیت عقل از طریق دیگر منابع معرفتی صورت می‌پذیرد. بر اساس پاره‌ای از آیات مانند «كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره/ ۷۳)، عقل با کمک آیات تکوینی (نظیر طبیعت) به تعقل

و تفکر می‌پردازد و بر اساس آیاتی نظیر «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (زخرف / ۴۳) یا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف / ۲)، عقل با مطالعه منبع وحی (آیات تدوینی) به معرفت و شناخت نایل می‌شود. با توجه به دو آیه اخیر، قرآن به عنوان منبع معرفت و عقل به عنوان ابزار فهم آن می‌باشد؛ زیرا قرآن مشتمل بر معارف مختلفی است که انسان با کمک عقل می‌تواند از آن استفاده نماید: «كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره / ۲۴۲؛ رک: طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۱، ۷۴). این آیات ناظر به مسائل علوم انسانی (مثل مسئله ازدواج و طلاق از مسائل فقهی و حقوقی) است. ۵ بر آن اساس، تعقل باید مبدأ حرکت به سوی عمل و در نهایت رسیدن کمال باشد؛ در غیر این صورت انسان مشمول این آیه می‌شود: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال / ۲۲).

عقل، درک‌کننده آیات و نشانه‌های قطعی از عظمت و قدرت خالق یکتاست. آیاتی که به فرمان او برای انسان تسخیر شده‌اند: «وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (نحل / ۱۲)؛ خداوند شب و روز و خورشید، ماه و ستارگان را به مثابه منبع طبیعی و آیات الهی در خدمت و تسخیر بشر قرار داده تا با ابزار عقل به تدبیر در آیات و نشانه‌های الهی پرداخته، به عظمت و قدرت خالق آن پی ببرند. البته این امر تنها برای کسانی که تعقل و تدبیر کنند نشانه‌هایی قطعی (از عظمت و قدرت و حکمت و رأفت) اوست. طبق این آیه، نظام هستی (ممکنات) به‌ویژه نظام طبیعت به عنوان منبع معرفت، بستر تفکر و توجه صاحبان خرد بوده و نیروی عقل نیز به مثابه ابزار معرفت خواهد بود.

عقل، به مثابه ابزار معرفتی، لازمه شنوایی و بینایی انسان است: «وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بكم عَمِي فَهَمُّ لَا يَعْقِلُونَ» (بقره / ۱۷۱؛ رک: طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۱۱۱). عقل ابزار درک محسوسات و جهان ماده است: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» (غاشیه / ۱۷-۲۰). از جمله کارکردهای ابزاری عقل، درک تاریخ گذشتگان و عبرت‌گیری از آن می‌باشد: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا...» (حج / ۴۶). عقل ابزاری، نقش معیار و میزان صدق گفته‌های خود و تطابق گفتار و عمل را بازی می‌کند: «تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره / ۴۴). بر اساس این آیه عقل به کمک قرآن، ضمن اینکه مصادیق معروف و منکر را درک می‌کند، قادر است رابطه گفتار و عمل فرد و تطابق آن دو را فهم کند؛ لذا می‌تواند چنین حکم کند که آمران به معروف، باید خود، عامل به معروف باشند.

از کارکردهای ابزاری عقل، فهم و درک آیات قرآن است: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء/ ۱۰). اندیشه و تفکر در حقیقت دنیا و آخرت و نسبت بین آن دو، بر عهده عقل می‌باشد: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انعام/ ۳۲) یا «وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (قصص/ ۶۰؛ رک: طباطبایی، بی تا: ج ۱۶، ۶۲).

عقل در کنار کنار کارکرد معرفت‌زایی و معناگری، دارای نقش درستی‌آزمایی و معناسنجی نیز می‌باشد؛ یعنی هنگامی که معرفت و معنای خاصی از طریق منابع دیگر به دست می‌آید، عقل آن معنا را مورد سنجش قرار می‌دهد. البته عقل در بسیاری از کارکردها نیازمند دیگر مدارک و مدارک است و مجموعه مدارک با هم تولید علم می‌کنند؛ زیرا همان گونه که هر پدیده ممکن دارای قلمرو و محدوده خاص خود است، منبع و ابزار معرفتی عقل نیز به لحاظ کارکرد و قلمرو معرفتی، دارای محدودیت‌ها و کاستی‌هایی است.

۶- کارکردهای زیربنایی و روبنایی عقل در علوم انسانی

خداوند در قرآن، انسان را در حوزه‌های مختلف به عقل و عقلانیت دعوت کرده است که در مجموع، متعلق تعقل را به سه دسته می‌توان طبقه‌بندی نمود: تعقل در مسائل طبیعی، مسائل الهیاتی (جهان و خدا) و مسائل انسانی (فردی و اجتماعی). دسته اول و دوم به لحاظ معرفتی از مسائل زیرساختی و زیربنایی برای علوم انسانی است؛ زیرا تعقل در مسائل طبیعی با یک واسطه به تعقل در مسائل الهیاتی ختم می‌شود. دسته سوم از سنخ مسائل روبنایی علوم انسانی است.

۶-۱- تعقل درباره جهان و هستی (به مثابه جهان‌بینی)

خداوند متعال در قرآن، بشر را به تعقل و اندیشیدن در آیات تدوینی و تکوینی دعوت نموده است. آیات تدوینی، همان وحی الهی است و آیات تکوینی الهی (کتاب تکوین) عبارت‌اند از: خلقت آسمان‌ها و زمین، اختلاف شب و نزل باران از آسمان و امثال آن. هر دو قسم از متعلق تعقل، نقش منبع معرفتی داشته و عقل نیز نقش ابزار معرفتی دارد و محصول معرفتی تعقل نیز به مثابه مبانی هستی‌شناختی و جهان‌شناختی برای علوم انسانی مطرح‌اند. هدف اصلی در دعوت به تعقل و تفکر در آیات تکوینی، اثبات توحید است: «ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار و... لآیات لقوم یعقلون» (بقره/ ۱۶۴). خداوند درباره تعقل در زنده‌شدن زمین پس از مردن آن می‌فرماید: «... ان الله یحیی الارض بعد موتها قد بین لکم الایات لعلکم تعقلون» (حدید/ ۱۷) یا «و لئن سئلتهم من نزل من السماء ماء فأحیا به

الارض من بعد موتها ليقولن الله قل الحمد لله بل اكثرهم لا يعقلون» (عنكبوت/ ۶۳). مقصود از احیای زمین بعد از مردن آن، همان رویاندن گیاهان در بهار، بعد از مردن آنها در زمستان است (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۶، ۱۴۹). به حسب ظاهر، خداوند متعال انسان را به تعقل و تفکر در آیات تکوینی و طبیعی دعوت کرده است؛ اما در واقع در صدد اثبات مسئله‌ای زیربنایی‌تر نظیر توحید (و نفی شرک) است؛ زیرا نظام عالم، نظام واحد و احسن است و در نتیجه خالق و مدبر آن نیز یکی است (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱، ۱۹۶-۱۹۸ و ۱۶، ۱۷۷-۱۷۶).

خداوند با دعوت به تعقل در تنوع میوه‌ها در صدد اقامه برهان، جهت اثبات توحید خالقیت و ربوبیت است (نحل/ ۱۱؛ نحل/ ۶۷؛ رعد/ ۴). براهین به کاررفته در قرآن کریم مبتنی بر مقدمات عقلی است (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۱، ۲۹۴-۲۹۳)؛ مثلاً آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّبِعُوا الْفَقْرَاءَ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْعَنِي الْحَمِيدُ» (فاطر/ ۱۵) ناظر به برهان امکان و وجوب است که در آیه، برخی مقدمات عقلی آن محذوف‌اند. این برهان از چند مقدمه تشکیل شده است: موجودات یا ممکن‌الوجودند یا واجب‌الوجود. امکان ندارد همه موجودات، ممکن‌الوجود باشند؛ زیرا ممکن‌الوجود برای موجودشدن، نیازمند علت است و اگر همه علت‌ها ممکن‌الوجود و نیازمند علت دیگری باشند، به جهت بطلان تسلسل و دور، هیچ موجودی تحقق نخواهد یافت. پس سلسله علت‌ها باید به واجب‌الوجود منتهی شود. آیه «قَالَتْ رَسُولُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكَّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (ابراهیم/ ۱۰) بیان‌گر برهان حدوث است که مقدمات عقلی آن ذکر نشده است. در برخی آیات، تسخیر شب و روز مایه عبرت عقلاست (نحل/ ۱۲؛ ر.ک: طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۴، ۳۱۲). همچنین خداوند متعال در آیات دیگر، انسان را به اندیشیدن درباره اختلاف شب و روز دعوت کرده است (یونس/ ۶؛ بقره/ ۱۸۴؛ آل عمران/ ۱۹۰؛ مؤمنون/ ۸۰؛ نحل/ ۱۲؛ اسراء/ ۱۲؛ جاثیه/ ۵). این گونه آیات، دلالت روشنی بر توحید ربوبی خداوند دارد (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۵، ۵۴-۵۵).

برخی آیات به تعقل و تفکر در هدف خلقت آسمان و زمین اشاره دارند: «أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ» (روم/ ۸)؛ یعنی با بررسی عقلی درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین به این نتیجه رهنمون خواهیم شد این خلقت نمی‌تواند باطل و پوچ و بی‌معنا و بی‌هدف باشد؛ بلکه همه اینها نزد انسان خردمند، آیات و نشانه‌هایی بر حکمت و قدرت خالق هستی خواهد بود: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران/ ۱۹۰). برخی آیات برای اثبات شایستگی خداوند برای عبادت، بشر را به تفکر و تعقل در آیات الهی دعوت کرده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يَخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشْدَكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شِيخاً وَ مِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَى مِنْ قَبْلِ وَ لِتَبْلُغُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (غافر/ ۶۷).

خداوند متعال پس از آنکه در آیات پیش از این آیه، مردم را به یکتاپرستی دعوت می‌کند، در این آیه آنان را به تدبیر و تعقل در خلقت خودشان و عظمت این کار فرا می‌خواند؛ همچنین در آیات دیگر، آنان را به تفکر در قدرت الهی و اثبات آن فراخوانده است: «و من نعمة ننكسه في الخلق افلا يعقلون» (یس / ۶۸). خداوند در آیه قبل (یس / ۶۷) امکان مسخ کفار را مطرح کرده و در این آیه نیز برای اثبات آن، به تغییرات انسان در زمان پیری استشهد می‌کند (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۷، ۱۰۸).

۲-۶- دعوت به تعقل درباره مسائل انسانی

دسته دیگر از آیات قرآن کریم به تعقل درباره انسان و کنش‌های وی اشاره دارند که بیشتر ناظر به مسائل علوم انسانی و اجتماعی است. برخی آیات، ما را به تعقل و تفکر در آثار و سرنوشت گذشتگان دعوت می‌کنند: «و ما ارسلنا من قبلك الا رجالاً نوحى اليهم من اهل القرى أفلم يسيروا في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم و لدار الاخرة خير للذين اتقوا أفلا تعقلون» (یوسف / ۱۰۹). مطالعه و تأمل نظری درباره شهرهای مخروبه و خانه‌های خالی و ویران شده، بیان‌گر سرنوشت ساکنان و صاحبان آن دیار خواهد بود. از جمله کسانی که خداوند ما را تأمل در عاقبت آنها دعوت کرده است، مجرمانند: «و امطرنا عليهم مطراً فانظر كيف كان عاقبة المجرمين» (نمل / ۶۹). دسته دیگر، مفسدانند. خداوند متعال پس از اشاره به سرنوشت فرعون درباره سرنوشت مفسدان می‌فرماید: «فانظر كيف كان عاقبة المفسدين» (اعراف / ۱۰۳؛ اعراف / ۸۶). گروه سوم، ظالمانند: «فانظر كيف كان عاقبة الظالمين» (یونس / ۳۹؛ قصص / ۴۰). همچنین به مطالعه سرنوشت انکارکنندگان آیات الهی (مکذبین) نیز دعوت کرده است: «فسيروا في الارض فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين» (آل عمران / ۱۳۷؛ انعام / ۱۱؛ نحل / ۳۶). موضوع سرنوشت اقوام گذشته، صرفاً یک موضوع تاریخی نیست؛ بلکه بخش عمده مسائل علوم انسانی اعم از مسائل تاریخی (مسائل علم تاریخ)، اجتماعی، حقوقی، اخلاقی، سیاسی، نظامی و امثال آن را شامل می‌شود. بر اساس آیات فوق می‌توان نتیجه گرفت که اولاً تاریخ و گذشته بشر، منبع معرفتی برای علوم انسانی خواهد بود؛ ثانیاً عقل نیز ابزار تأمل و مطالعه از آن منبع معرفتی است؛ ثالثاً قرآن کریم نیز در زمینه سرنوشت برخی اقوام گذشته، منبع معرفتی، متقن و معتبری است. به عبارت دیگر، قرآن کریم افزون بر دعوت به مطالعه سرگذشت اقوام گذشته، خود نیز در قالب قصص واقعی، سرنوشت برخی اقوام را بیان می‌کند. قرآن از حوادث و رویدادهای گذشته تابلویی ترسیم می‌کند که به عنوان یک منبع تاریخی قابل اعتماد نیز به حساب می‌آید.

برخی آیات، ناظر به تعقل و تفکر درباره کتاب وحی‌اند: «انا جعلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون و انه في ام الكتاب لدينا على حكيم» (زخرف / ۳؛ رک: طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۸، ۸۳ و ۱۱، ۷۵) که عقل در

اینجا به مثابه ابزار معرفتی، معناگر و فهمنده قرآن کریم است نه منبع معرفتی مستقل. از دیگر اموری که در قرآن به آن دعوت به تفکر شده، مقایسه بین دنیا و آخرت و برتری آخرت بر دنیا است: «و ما الحیوة الدنیا الا لعب و لهو و للدار الآخرة خیر للذین یتقون افلا تعقلون» (انعام/ ۳۲؛ رک: طباطبایی، بی تا: ج ۷، ۵۷). بر اساس این آیه، اگر مسائل علوم انسانی و اهداف آن، صرفاً ناظر به امور مادی و دنیوی باشد، از مصادیق لهو و لعب بوده و زندگانی دنیا نیز وسیله فریب انسان‌ها خواهد بود: «زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطیر المقنطرة من الذهب و الفضة و الخیل المسومة و الانعام و الحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا و اللہ عنده حسن المآب» (آل عمران/ ۱۴) یا «و ما الحیاء الدنیا الا متاع الغرور» (آل عمران/ ۱۸۵)؛ زیرا ارزش حیات مادی و دنیوی (فارغ از حیات ابدی و اخروی)، خیلی اندک و ناچیز است: «أرضیتم بالحیوة الدنیا من الآخرة فما متع الحیوة الدنیا فی الآخرة الا قلیل» (توبه/ ۳۸). برخی آیات، بشر را به تفکر و تعقل درباره اساسی‌ترین مسائل انسانی و اجتماعی دعوت کرده است: «قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم ألا تشرکوا به شیئاً و بالولدین احساناً و لا تقتلوا اولادکم من املاق نحن نرزقکم و ایاهم و لا تقرّبوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ذلکم و صیکم به لعلکم تعقلون» (انعام/ ۱۵۱). این آیه به بیان مسائل مهم انسانی (همچون احترام به والدین، نهی از کشتن فرزندان از روی ترس و نهی از کشتن افراد بی‌گناه) پرداخته است مسائلی که اولاً مشترک بین تمامی شریعت و آیین‌هاست؛ ثانیاً اختصاص به حوزه خاصی از علوم انسانی نداشته، ساحت‌های مختلف فقهی، اخلاقی، تربیتی، حقوقی، اقتصادی و نظایر را شامل می‌شود؛ ثالثاً این مسائل نیز از سنخ علوم انسانی‌اند که با منبع عقل سلیم نیز قابل شناخت و قابل پذیرش خواهد بود؛ لذا در پایان آیه از عبارت «لعلکم تعقلون» آمده است (ر.ک: طباطبایی، بی تا: ج ۷، ۳۷۳).

۷- کارکردهای انتقادی عقل

عقل در کنار کارکردهای معرفت‌زایی، معناگری و معناسنجی، دارای ظرفیت درستی‌آزمایی و انتقادی نیز می‌باشد؛ به عبارت دیگر یکی از ظرفیت‌های معرفتی عقل، نقد علوم انسانی رایج است. این نقش نیز همانند سایر کارکردهای معرفتی عقل می‌تواند جنبه استقلالی و غیر استقلالی داشته باشد؛ لذا عقل می‌تواند در نقد علوم انسانی رایج، از دیگر مدارک و مدرکات نیز بهره‌گیرد (ر.ک: طباطبایی، بی تا: ج ۱۰، ۳۴۱). با بهره‌گیری از عقل می‌توان به نقد علوم انسانی رایج و سکولار پرداخت. در این مرحله، ابعاد مختلف علم (سطح پارادایم، مبانی، اهداف، کارکردها، روش و امثال آن) توسط عقل، قابل ارزیابی است.

ظرفیت سنجش‌گری و انتقادی عقل را می‌توان از برخی آیات قرآن کریم نیز به دست آورد: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/ ۱۷-۱۸). خداوند متعال در این آیه به بندگان بشارت می‌دهد که سخنان را گوش داده، بهترین آن را انتخاب نمایند. گوش‌سپردن به گفته‌ها (گفتار، نوشته‌ها، اندیشه‌ها و تفکر) و گزینش بهترین آن‌ها مستلزم نقد و ارزیابی آن سخن است. هدف از نقد سخن، تفکیک صحت و سقم، قوت و ضعف و سره از ناسره است. استماع غیر از سمع است. استماع -به معنای گوش‌سپردن- مستلزم دقت، تجزیه، تحلیل و سنجش‌گری است (ر.ک: راغب، ۱۴۱۲: ج ۱، ۴۲۶؛ مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲، ۶۹۳). عبارت «القول» در تفاسیر، به معانی مختلفی آمده است. برخی مفسران، «القول» را در این آیه به معنای «قرآن» گرفتند (ر.ک: شیخ طوسی، بی‌تا: ج ۹، ۱۷)؛ زیرا یکی از نام‌هایی که بر قرآن اطلاق شده، «القول» است. مفسران دیگری آن را به معنای اوامر و دستورهای الهی دانستند (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۸، ۳۹۶-۳۹۱؛ آلوسی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ۲۴۲)؛ اما برخی مفسران از جمله طباطبایی معتقدند تخصیص یادشده، بلامخصص است؛ لذا منظور از «القول» معنای اعم آن بوده و شامل هر سخنی (گفتار، نوشته‌ها، اندیشه‌ها و تفکر) می‌شود (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۷، ۲۵۰؛ مکارم، بی‌تا: ج ۱۹، ۴۳۳)؛ بنابراین یکی از ظرفیت‌های مهم عقل، نقد علوم انسانی موجود است. عقل می‌تواند به مطالعه و سنجش این علوم پرداخته، ضمن آسیب‌شناسی آن، بهترین آن را برگزیند؛ زیرا عقل سلیم اقتضا می‌کند با مطالعه سخن و تشخیص حق، آن را انتخاب نماید: «أُولُوا الْأَلْبَابِ أُولُوا الْعُقُولِ وَيَسْتَفَادُ مِنْهُ أَنَّ الْعَقْلَ هُوَ الَّذِي بِهِ الْإِهْتِدَاءُ إِلَى الْحَقِّ وَآيَتُهُ صِفَةُ اتِّبَاعِ الْحَقِّ» (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۷، ۲۵۱). گوش‌سپردن به سخنان و برگزیدن بهترین آنها، نشانه عقل سلیم است. یکی از معیارها برای مطالعه سخن دیگران، داشتن قدرت تشخیص است تا بتواند از میان سخنان و محتوا، بهترین آنها را شناسایی کند و این توانایی، تنها از عهده عقل بر می‌آید؛ زیرا عقل انسان، دارای توان تحلیل سخنان، اندیشه و عقاید گوناگون و همچنین توان تشخیص و انتخاب بهترین آنهاست. نتیجه‌ای دیگر که از این آیه به دست می‌آید، این است که معیار در ارزیابی، نقد محتوای سخن است نه نقد صاحب سخن. پیام دیگر اینکه هم تقلید کورکورانه در علوم مذموم است و هم نفی و طرد علوم بدون سنجش‌گری و بدون بررسی صحت و سقم آن.

۸- کارکرد روش‌شناختی عقل

از دیگر کارکردهای معرفتی عقل، کارکرد روش‌شناختی در حوزه علوم به‌ویژه انسانی است. بر این اساس، روش عقلی، یکی از روش‌های معتبر در علم به‌ویژه علوم انسانی است. این روش را روش استدلالی و قیاسی و برهانی نیز می‌گویند و به علومی که اغلب با این روش سر کار دارند «علوم عقلی» گفته می‌شود، مانند منطق، فلسفه و کلام. روش پژوهش در این علوم، قائم بر استدلال عقلی و برهان یقین‌آور است که

از قضایای یقینی تشکیل شده و در شکل یک قیاس منتج عمل می‌کند؛ لذا ادله و دلایل در علوم عقلی باید از لحاظ ماده و صورت مفید یقین باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ج ۱، ۱۱۴-۱۰۶). البته روش عقلی ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های مخصوص به خود دارد و به چند روش جزئی‌تر تقسیم می‌شود. روش عقل در حوزه علوم انسانی، به روش تجربیدی (روش عقلی محض) و روش ترکیبی (تلفیقی) قابل تقسیم است. عقل تجربیدی محض در قالب استدلال برهانی، افزون بر دانش فلسفه (به مثابه دانش زیرساختی) در برخی رشته‌های علوم انسانی نظیر معرفت‌شناسی، زبان‌شناسی و منطق، کارایی دارد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۷۱؛ همو، ۱۳۸۵: ۳۵-۳۴). این روش، هم به لحاظ فلسفی و هم به لحاظ علمی و دینی، معتبر است. در روش تلفیقی، یک طرف قضیه، داده عقلی و در طرف دیگر، داده‌هایی از جنس وحیانی، طبیعی، تاریخی و امثال آن قرار دارد. روش عقلی، اعم از روش کاربست عقل در حل مسئله، روش سنجش صحت و سقم علوم، روش اثبات یا رد سایر روش‌ها و امثال آن است.

قرآن کریم، هرچند کتاب معرفت‌شناسی و روش‌شناسی نیست، از ظاهر و باطن برخی آیات می‌توان به برخی قواعد روش‌شناختی استنباط کرد. قرآن کریم ضمن اینکه برای منبع عقل، اعتبار و ارزش معرفتی قائل است، روش عقلی و عقلانی را نیز تأیید می‌کند و خود، ضمن اینکه در بیان برخی آیات از همین روش بهره می‌گیرد، به روش عقلی و عقلایی دعوت می‌کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل / ۱۲۵). در این آیه «حکمت» به معنای دستیابی به حق از راه علم و عقل است (ر.ک: راغب، ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۴۹). تقدم حکمت بر «موعظه» و «جدل» و همچنین ذکر «حکمت» به صورت مطلق و مقید شدن دو روش دیگر (موعظه به قید «حسنه» و مجادله به قید «احسن») نشان‌دهنده برتری روش عقل و اهمیت و ارزش روش عقلی است (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۲، ۳۷۲؛ مکارم، ۱۴۲۶: ج ۱۱، ۴۹۱).

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر با بررسی مفهوم عقل و مفاهیم مرتبط با آن، بر اساس قرآن کریم، انواع کارکردهای آن طبقه‌بندی و بررسی شد و نتایج ذیل به دست آمد:
عقل یکی از منابع و ابزار معرفتی به‌ویژه در علوم انسانی است.
عقل در علوم انسانی، هم نقش منبعی دارد و هم نقش ابزاری؛ لذا دارای کارکردهای بسیار گسترده و وسیع است.^۶

عقل در فهم منابع متنی (کتاب و سنت) دارای نقش ابزاری است.^۷
اعتبار و ارزش معرفتی عقل و گزاره‌های حاصل آن، ذاتی است.
پاره‌ای از کارکردهای معرفتی عقل در حوزه تولید علم، به‌ویژه علوم انسانی، انحصاری و بی‌بدیل است.

اثبات اعتبار و حجیت دیگر منابع معرفتی (کتاب تدوین و کتاب تکوین) بر عهده عقل است.^۸ عقل با سایر منابع معرفتی، هماهنگ و همخوان است (جریان قاعده ملازمه در بیشتر مسائل علوم انسانی اسلامی)

عقل به رغم کارکردهای مختلف، کاستی‌ها و محدودیت‌هایی دارد؛ لذا نیازمند سایر منابع به‌ویژه منبع وحی است.

عقل، در کنار کارکردهای معرفتی، دارای کارکردهای عملی نیز می‌باشد. اثبات یا رد حجیت دیگر روش‌ها (روش تجربی، نقلی، شهودی و امثال آن) بر عهده عقل است. عقل معیار سنجش صحت و سقم علوم به‌ویژه علوم انسانی است؛ بر این اساس، معیاری برای نقد علوم انسانی سکولار است.

روش عقلی در کنار سایر روش‌ها، از اعتبار و حجیت معرفت‌شناختی برخوردار است.

پی‌نوشت‌ها

۱- عقل تجربی، از مقدمات حسی و تجربی بهره می‌گیرد؛ یعنی هر دو مقدمه استدلال، تجربی است؛ در حالیکه عقل نیمه تجربی، یک مقدمه آن انتزاعی و مقدمه دیگر، حسی و تجربی است. در عقل تجربی محض، هر دو مقدمه، عقلی و غیرتجربی است. سه کارکرد یادشده از سنخ معرفت‌حصولی‌اند در حالی که در عقل ناب، با حضور و شهود سروکار داریم.

۲- مراد از اصول و قواعد عقلایی در فهم متن، اصول و قواعد روشی است؛ مثل اصل یا قاعده «ارجاع مشاهدات به محکمت»، قاعده «سیاق» یا قاعده «تقدم سیاق بر روایت» و امثال آن در تفسیر قرآن.

۳- تخصیص به معنای اخراج افراد خاص از شمول حکم عام است و تعمیم، عکس آن است. تقیید عبارت است از اینکه متکلم با ذکر قید یا شرطی لفظ مطلق را از گستره شمول و شیوع آن خارج و دلالت آن را با قید یا شرط خاصی، مقید و محدود نماید.

۴- در این موارد عقل به لحاظ استقلال، معرفت‌زا نیست؛ بلکه ابزار کشف معرفت از دیگر منابع است؛ زیرا مراد از کارکرد معرفت‌زایی، نقش استقلالی است؛ اما در فرض ابزاربودن، عقل داده‌ها را از کتاب و سنت (به عنوان منبع مستقل) می‌گیرد؛ لذا عقل از این جهت، منبع مستقل نیست؛ بلکه کتاب و سنت به عنوان منبع مستقل و معرفت‌زا و عقل، ابزاری برای استخراج معارف از این منابع است.

۵- اشاره به نحوه پرداخت مهریه به زنان پس از طلاق و سفارش‌های عاطفی و اخلاقی در این زمینه است.

۶- عقل به منزله چشم دیگری است که مایه بصیرت نفس نسبت به حقایق برتر است؛ در حالی که بر اساس تفکر طبیعت‌گرایی، عقل به منزله عینک یا سمعک برای چشم و گوش مادی است؛ یعنی عقل هرگز حقیقت جدیدی را ادراک نمی‌کند؛ بلکه همان ابزار مادی تنها واسطه و وسیله‌ای برای ادراک بهتر امور مادی است، بدون آنکه حقیقتی، افزون بر آنچه از طریق حس تحصیل شده، کشف کند (رک: جوادی آملی، ۱۳۷۴: ۲۴۰).

۷- کارکردهای ابزاری عقل در فهم منابع متنی عبارتند از: تفسیر ادله، تخصیص، تقیید یا تعمیم و مفهوم‌گیری و امثال آن.

۸- عقل، هم اثبات‌گر و حیثیت‌قرآن است و هم فهمنده آن؛ عقل به مثابه منبع و ابزار معرفت، در همه عرصه‌ها از جمله قضایای حقیقی و تکوینی و قضایای اعتباری و تشریحی حجت است و انسان‌ها باید بر اساس آن حرکت نمایند از نظر دیگری، عقل هم اثبات‌گر و حیثیت‌قرآن برای ایمان به آن است و هم مرجعی برای فهم آیات به شمار می‌آید.

منابع

قرآن کریم

- ۱- آلوسی، شهاب‌الدین، (۱۴۱۴ق)، تفسیر روح المعانی، بیروت، دارالفکر.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، تفسیر انسان به انسان، قم، اسراء.
- ۳- _____، (۱۳۸۶)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، اسراء.
- ۴- _____، (۱۳۷۴)، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۱۳ (معرفت‌شناسی در قرآن)، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- ۵- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق)، الصحاح فی اللغة، تحقیق: احمد بن عبدالغفور عطار، الطبعة الرابعة، بیروت، دارالعلم للملایین.
- ۶- راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالقلم.
- ۷- رشاد، علی‌اکبر، (۱۳۸۵)، «گستره کارکرد و کاربرد عقل در تفهیم و تحقق دین»، مجله فقه و حقوق، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۱-۳۸.
- ۸- شیخ طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، تفسیر التبیان، بیروت، احیاء التراث العربی.
- ۹- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۵ق)، نهاية الحکمة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۰- _____، (بی‌تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان.
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۱۲- طریحی النجفی، فخرالدین، (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرين، تحقیق: سیداحمد حسینی، تهران، نشر الثقافة الاسلامیة.
- ۱۳- علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۷۲)، کشف المراد، چاپ سوم، قم، انتشارات شکوری.
- ۱۴- علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۳)، فقه و عقل، چاپ دوم، بی‌جا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- ۱۵- مبینی، محمدعلی، (۱۳۸۰)، «عقل در قرآن»، معرفت، شماره ۴۸، صص ۸۶-۹۴.
- ۱۶- محقق اصفهانی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *نهایة الدرایه فی شرح الکفایه*، تحقیق: ابوالحسن قائمی، قم، موسسه آل البیت.
- ۱۷- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۳)، *آموزش فلسفه*، چاپ ششم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۸- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۹- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۷)، *انسان و ایمان*، تهران، انتشارات صدرا.
- ۲۰- _____، (۱۳۸۹)، *مجموعه آثار*، ج ۲۲ (حکمت ها و اندرزها، فلسفه اخلاق، تعلیم و تربیت در اسلام، حکمت عملی)، تهران، صدرا.
- ۲۱- مکارم شیرازی، ناصر، (بی تا)، *تفسیر نمونه*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۲- _____، (۱۴۲۶ق)، *نفحات القرآن*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- ۲۳- ملاصدرا، صدرالدین محمد، (۱۳۸۳)، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، قم، دار المعارف الاسلامیه.
- ۲۴- _____، (۱۴۲۰ق)، *المبدأ و المعاد*، بیروت، دارالهادی.